

واکاوی تأثیر ذبح اسلامی در سلامت غذا با تأکید بر متون دینی

سعید سلیمانی^۱

چکیده

سابقه و هدف: بحث فلسفه احکام از موضوعات پرمخاطب بوده و اولین تصنیف، «علل الشرایع» شیخ صدوق است. هدف این تحقیق، بیان اثری است که متون دینی، مترتب بر رعایت احکام فقهی ذبح می‌کنند و از آن تعبیر به حلال بودن غذا و یا سلامت غذا در دیدگاه شارع می‌شود و البته قطعاً بین حلال بودن غذا و سلامت معنوی ارتباط هست که از حیطة تحقیق ما خارج است.

روش کار: روش توصیفی تحلیلی است. در این راستا منابع تفسیری و حدیثی بر اساس کلید واژه‌های: سلامت جسم، ذبح اسلامی، سلامت غذا، حلال، سلامت در دیدگاه شرع، مصلحت حکم شرعی، بررسی و علاوه بر تصویرسازی آنچه هست و گردآوری اطلاعات لازم مبتنی بر سوالات تحقیق، به بیان دلایل چگونه بودن و چرایی مسئله ذبح در اسلام و ابعاد آن نسبت به سلامت غذا در دیدگاه شارع (حلیت) پرداخته می‌شود.

یافته‌ها: آثار علمی که دانشمندان در زمینه ذبح اسلامی بیان می‌کنند گزاره‌هایی در حیطة عقل نظری هستند و قطعاً عقل نظری مستقل از بیان شارع، نمی‌تواند ملاکات احکام را در همه موارد آنطور که شارع مقدس در نظر گرفته درک کند؛ لذا مادامی که دلیل قطعی بر علیت تامه برای آثار ذبح اسلامی نداشته باشیم، تمام آنها در حیطة مصلحت احکام قرار می‌گیرد و آنها در مقابل اثری که متون دینی برای ذبح اسلامی ذکر می‌کند (حلیت) پر اهمیت‌تر نخواهد بود. مثلاً گفته شده وقتی شریان خونی مغز قطع می‌شود، حیوان بی احساس می‌شود و قلب می‌تپد، و این بر کیفیت گوشت‌ها می‌افزاید، اما قطعاً این موارد علت تامه احکام شرعی ذبح نمی‌باشد.

۱. فارغ التحصیل سطح چهار فقه و اصول و دانش پژوه سطح چهار موسسه حوزوی امام رضا علیه السلام، قم.

نتیجه‌گیری: اثر ذبح اسلامی به طور قطع، حلال بودن غذا و سالم بودن گوشت از دیدگاه شارع است و بدون شک آثار علمی احکام ذبح، تحت عنوان مصلحت احکام است نه علت تامه احکام.

واژه‌های کلیدی: سلامت جسم، ذبح اسلامی، سلامت غذا، حلال، سلامت در دیدگاه شرع، مصلحت حکم شرعی.



مقدمه

موضوع سلامت غذا و به خصوص سلامت آن در دیدگاه شارع، برای مسلمانان پر اهمیت است. در قرآن، تقریباً ۲۵۰ آیه (۱) و دهها روایت، (۲) اهمیت آنرا تأکید کرده‌اند و درباره نوع غذا، مقدار و وعده‌های غذایی و آداب خوردن، وظایفی تعیین شده است. سوره بقره آیه ۱۶۸ می‌فرماید: «از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید!» (۳) و در روایتی از «علل الشرایع»، شخصی از امام باقر علیه السلام از علت تحریم مردار و خون و... سؤال می‌پرسد؛ که در قسمتی از فرمایش حضرت آمده است: «خداوند، پس از آفرینش مخلوقات، آنچه که بدن‌های انسان‌ها به آن قائم است و در راستای مصلحت و خیر آنها هست را به انسان‌ها تعلیم فرمود و پس از آن تفهیمشان نمود که این سنخ از اشیاء بر ایشان مباح و حلال است و نیز آنچه به ضرر بدن‌هایشان هست را به آنها هشدار داد که این قبیل از اشیاء بر آنها حرام است». (۴) این فقره از کلام معصوم دلالت دارد که احکام ذبح اسلامی که منجر به حلال شدن گوشت می‌شود و از مردار شدن دام جلوگیری می‌کند، به خاطر مصالحی است که خدا در رعایت این احکام قرار داده و خوردن مردار و حیوانی که ذبح شرعی نشده را به خاطر وجود مفسده و ضرری که برای انسان داشته حرام کرده است. آنچه ما را به سمت پیدا کردن دلایل علمی احکام ذبح سوق می‌دهد، ادامه‌ی کلام حضرت است که در کتاب «من لایحضره الفقیه» آمده که می‌فرمایند: «أحدی از مردار تناول نمی‌کند مگر آنکه بدنش مبتلا به ضعف زیاد می‌شود، قوت از او رفته و نسلش منقطع می‌گردد و خورنده مردار مبتلا به مرگ ناگهانی می‌گردد». (۵) در این فقره، چهار اثر خوردن گوشت حرام مطرح می‌شود که برخی مربوط به سلامت جسم و برخی مربوط به سلامت معنوی انسان

هستند و حضرت در این جملات اجزاء علت ناقصه تحریم را مطرح می‌کنند و هیچ قرینه‌ای بر انحصار علت حرمت وجود ندارد.

حال مرکز اصلی بحث اینجاست که آیا از این نصوص می‌توان تعدی نمود و مواردی که در روایات به عنوان علت تحریم حیوان غیر مذکّی ذکر نشده را مطرح نمود و تحریم را دائر مدار آنها نیز دانست؟

از سوالِ راوی و جوابِ امام استفاده می‌شود که از همان صدرِ اسلام ذهنِ خواصّ به دنبال پیدا کردن علت‌هایی برای تحریم مردار و تحلیل مذکّی بوده‌اند، لذا این موضوع سابقه‌ای به طول عمر روایات دارد. اما آنچه در این پژوهش مورد هدف است اینکه در پژوهش‌های معاصر، محققان بیشتر تأکید بر بیان دلائل علمی بر احکام شرعی ذبح دارند، که گاهی ذهن خواننده خالی الذهن به سمتی می‌رود که هر حکمی از حلال و حرام باید دلیل و فلسفه‌ای و لو دور از ذهن داشته باشد تا مکلف خود را ملزم به اطاعت ببیند و در اذهان اینگونه رسوخ می‌کند که اگر حکمی را برایش علتی نیاوردیم، ملزم به اجرای آن نیستیم! در این تحقیق تأکید بر اثری است که متون دینی مترتب بر رعایت احکام فقهی ذبح می‌کنند و به نظر می‌رسد که به مفهوم حلال و سلامت غذا از دیدگاه متون دینی به عنوان مهمترین اثر احکام ذبح اسلامی کمتر توجه می‌شود.

در پایان به چند تعریف عملیاتی اشاره می‌شود:

- مرگ: ایستِ برگشت‌ناپذیر نشانه‌های زیستی (علائم حیاتی) است.

- علائم حیاتی حیوان: دم و بازدم یا تنفس (respiration). تپش

قلب (heartbeat)، جنبش رگ یا ضربان نبض (pulse) و کارکرد مغز (brain

activity) است.



- نشانه‌های مرگ در حیوان: ایستادن دم و بازدم (توقف تنفس) (respiratory arrest). ایستادن قلب (cardiac arrest). از کار افتادن مغز، یا مرگ مغزی (brain death).

- ذبح: قطع حلقوم، بریدن رگ‌های گلی دام برای حلال کردن لاشه آن. معادل‌ها: کشتار سلاخی، قصابی، (slaughtering).

- ارتباط سلامت معنوی و حلال بودن غذا و تعریف سلامت معنوی و بیان شاخصه‌های سلامت معنوی در غذای حلال یک پژوهش مستقل می‌طلبد که نویسندگان این مقاله وارد آن نواحی از بحث نمی‌شوند.

روش کار

این پژوهش کتابخانه‌یی و از نوع توصیفی-تحلیلی است و در چندین مرحله صورت گرفته است: در مرحله اول فهرست آیات قرآن و تفاسیر دست اول مربوط به ذبح و تذکیه، با کمک کتابخانه تخصصی علوم قرآن و تخصصی فقه، تهیه و داده‌ها و مطالب مورد نیاز جمع آوری شد. در مرحله بعد جستجوی در تارنمای جهانی بر اساس کلید واژه‌های: سلامت جسم، ذبح اسلامی، سلامت غذا، حلال، سلامت معنوی و مصلحت حکم شرعی، انجام شد و مقاله‌های معتبر فراهم گردید. لازم به ذکر است که از تعداد ۳۰ مقاله به دست آمده از تارنمای جهانی تنها ۴ مقاله اشاره‌هایی به آثار علمی ذبح اسلامی داشتند که به طرح وارد شده و بقیه از طرح خارج گردیدند. پس از بررسی متون، داده‌های موضوع گردآوری گردید. در مرحله بعد پس از مطالعه مطالب و استخراج یافته‌ها نکات شرعی و علمی مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار داده شد. (۶)

یافته‌ها

۱- حرکت و خروج خون: مراد از حرکت، تحرک آزادانه اندام‌های حیوان است، نه به دلیل شوک و امثال آن، که به جهت بریدن اوداج {۱}- ورید وداجی امامی یا ورید وداجی خارجی یا سیاه رگ گردنی جلوئی (anterior jugular vein)



۲- ورید وداجی ظاهری یا سیاه رگ گردنی بیرونی (external jugular vein) ۳- ورید وداجی باطن یا وداج غائر یا ورید وداجی داخلی یا سیاه رگ گردنی درونی (internal jugular vein) و رگهای چهارگانه (شریان سباتی اصلی یا شریان سباتی مشترک یا شاه رگ یا رگ خواب مشترک (common carotid) راست و چپ که هر یک به دو شاخه تقسیم می‌شوند: شریان سباتی ظاهر یا سرخ رگ خواب بیرونی (external carotid artery) و شریان سباتی غائر یا سرخ رگ خواب درونی (internal carotid artery) جمعاً چهار سرخ رگ {رخ می‌دهد. و مراد از خروج خون که در متون دینی از آن به «خروج الدم المعتاد» تعبیر می‌شود، (۷) این است که هر حیوانی نسبت به خودش، مقدار خونی به صورت متعارف از او خارج شود. فقهاء معاصر در مسأله مورد بحث می‌فرمایند: برای مکلف دو حالت وجود دارد: حالت اول: اگر پس از ذبح شک به حیات ذبیحه در هنگام ذبح داشتیم: الف) حضرات آیات صافی، گلپایگانی، نوری، فاضل، خروج خون یا حرکت را شرط می‌دانند. ب) حضرات آیات زنجانی، خوئی، تبریزی، وحید، سیستانی (و مکارم: احتیاط واجب.....): خروج خون و حرکت هر دو را شرط می‌دانند. حالت دوم: اگر پس از ذبح، علم به حیات ذبیحه در هنگام ذبح داشتیم: الف) حضرات آیات خوئی، تبریزی، وحید، سیستانی، اراکی، مکارم: خروج خون را شرط می‌دانند. ب) حضرات آیات صافی، گلپایگانی، نوری، فاضل، امام، رهبری، زنجانی: هیچ شرطی را معتبر نمی‌دانند. (۸)

تأثیر این حکم شرعی در سلامت غذا این است که وقتی حیوانی می‌میرد، (یعنی به روشی غیر از قطع رگ‌های چهارگانه) خون بیشتر در بدن حیوان باقی می‌ماند و باعث ایجاد عفونت و کاهش سریع اسیدپتیه خون می‌شود و سلامت گوشت کاهش می‌یابد. (۹) خون باقی مانده در لاشه به دلیل شروع فرآیندهای تخمیری و کاهش اسیدپتیه، فساد لاشه را تسریع می‌نماید. استفاده این غذا توسط

انسان، به دلیل اکسیداسیون سریع اسیدهای چرب، مضر و سمی است و پس از مصرف در بدن انسان باعث اکسید شدن منابع انرژی در بدن انسان می‌شوند که در نتیجه، بدن ضعیف می‌شود. و تجمع خون در بدن دام، زمینه را برای رشد انواع میکروب فراهم می‌کند، چراکه خون جریان ندارد و گلبول‌های سفید و پلاکت‌ها از بدن دفاع نمی‌کنند و زمینه‌ی ایجاد عفونت بیشتر فراهم می‌شود. (۱۰)

۲- استقرار حیات ذبیحه: از جمله شرایط صحت ذبح و حلیت، لزوم حیات ذبیحه است که در سالهای اخیر از اهمیت بیشتری برخوردار شده است زیرا بیشتر ذبیحه‌ها در کشورهای خارجی با کمک دستگاه‌های جدید انجام می‌شود و قبل از آن حیوان را با گلوله‌های مخصوص یا آمپول یا شوک الکتریکی بی‌هوش می‌کنند به نحوی که ممکن است حیوان خود به خود بمیرد. فتوای مراجع معاصر نسبت به این شرط این است که استقرار حیات به معنای امکان زنده ماندن دست کم یکی دو روز، یا پلک زدن و حرکت دم و جنباندن پا، یا اینکه حیوان مشرف بر مرگ نباشد و امکان زنده ماندن در یک روز یا نصف آن را داشته باشد؛ (۷)

هیچ کدام شرط نیست بلکه آنچه شرط است، اصل حیات حیوان قبل از ذبح است هر چند که مشرف به مرگ باشد. (۸-۱۱)

اثر زنده بودن دام قبل از ذبح اسلامی، بر سلامت غذا این است که گوارش انسان نمی‌تواند از مردار، خون سالم بسازد چراکه مردار دارای انواع میکروب‌هاست و اسلام علاوه بر اینکه خوردن گوشت مردار را تحریم کرده، آن را نجس هم دانسته تا مسلمانان کاملاً از آن دوری کنند از طرفی حیوان مرده دارای مقادیر زیادی خون در بدنش است و هنگامی که خون از جریان می‌افتد، گلبول‌های سفید از بین می‌روند و به همین دلیل میکروب‌ها به سرعت زاد و ولد کرده و گسترش می‌یابند، بنابر این خون به هنگامی که از جریان می‌افتد آلوده‌ترین اجزای بدن حیوان است و مصرف آن احتمال سکته را در انسان



افزایش می‌دهد. (۱۲) آنچه علم الهی معصومین علیهم‌السلام را در این بحث به عرصه ظهور می‌رساند، روایتی است از امام محمد باقر علیه‌السلام: «از گوشت مردار به کسی نمی‌رسد، مگر آنکه بدنش ضعیف و نسلش قطع می‌شود و خورنده گوشت مردار به طور ناگهانی می‌میرد». (۱۳)

۳- قطع اوداج أربعه: از واجبات تذکیره‌ی حیوان، در روش ذبح اسلامی، قطع رگ‌های چهارگانه است. (۷) فتوای مراجع معاصر این است که بریدن چهار رگ واجب است یعنی چهار رگ بزرگ گردن حیوان را از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل ببرند. (۸)

اثر قطع چهار عضو گردن اینکه گوشت‌های حلال در نتیجه‌ی از دست رفتن خون زیاد و کاهش درد کشیدن حیوان، باکیفیت‌ترین گوشت‌ها هستند. چرا که حیوان پس از ذبح اسلامی فقط در طی ۲ تا ۷ ثانیه احساسش را از دست می‌دهد و دیگر چیزی حس نمی‌کند و مغز طی ۱۰ تا ۴۳ ثانیه کاملاً از کار می‌افتد. در کشتارگاه‌های مدرن گاهی قبل از ذبح حیوان اقدام به بیهوشی دام می‌کنند که در این حالت، مغز پس از ۱۸ تا ۷۰ ثانیه متوقف می‌گردد. و همچنین این بیهوشی باعث افزایش بیش از ده‌بار نسبت آدرنالین در بدن دام می‌شود. (۱۴) همچنین یافته‌های میدانی در مورد بیهوشی دام به وسیله شوک الکتریکی و در پی آن ذبح کردن، حاکی از آن است که نبض‌های مغز پس از بیهوشی الکتریکی دوباره بر می‌گردد، یعنی در این حالت، احساس درد در دام بیشتر است.

۴- یافته‌ای دیگر در مورد خروج خون، حاکی از آن است که در روش ذبح اسلامی، شریان خونی مغز قطع می‌شود و حیوان بلافاصله احساسش را از دست می‌دهد اما قلب پیوسته می‌تپد و خون را پمپاژ می‌کند، که همین امر بر کیفیت گوشت‌ها در ذبح اسلامی می‌افزاید. زیرا حجم زیاد خون که حتی به ۷۵ درصد از خون حیوان می‌رسد را از دست می‌دهد. (۱۵)

۵- در مورد خروج خون که قبلاً هم به آن اشاره شد، یافته‌ها حاکی از آن است که میزان هیم و آهن در گوشت حاصل از ذبح حلال کمتر بوده و چون هیم یک عامل اکسید کننده است، اکسایش لیپیدها نیز کمتر شده و چون اکسایش لیپیدها دلیل اصلی فساد غیر میکروبی گوشت است، در نتیجه مدت ماندگاری گوشت حلال بیشتر است. (۱۵) و همچنین از جمله خواص فیزیکی گوشت حلال می‌توان به رنگ روشنتر آن اشاره کرد که مشاهده میدانی حاکی از استقبال زیاد حتی غیر مسلمان‌ها به غذای حلال است.

۱۵

۶- قطع نخاع قبل از مرگ دام: مراد از نخاع شوکی (spinal cord) بخشی از دستگاه عصبی مرکزی است که درون ستون فقرات قرار دارد. نظر فقهای حضرات آیات: امام، رهبری، و خوئی و تبریزی، وحید، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط، قطع نخاع حرمت تکلیفی دارد نه وضعی (گوشت ذبیحه بواسطه آن حرام نمی‌شود). (۱۶)

اثر حرمت قطع نخاع بر سلامت غذا این است که قلب بتواند در آخرین لحظات هم کار تلمبه زدن خون را انجام دهد و خون بیشتری دفع شود اما اگر نخاع قطع شود، عصبی که به قلب می‌رود آسیب دیده و سبب توقف فعالیت قلب می‌شود لذا ایستایی خون داخل بدن حیوان اتفاق می‌افتد و خون بیشتر داخل بدن باقی می‌ماند که قبلاً هم اشاره به مضرات آن شد. (۱۷)

۷- حکم انحراف از قبله به فتوای همه مراجع این است که اگر عمداً حیوان را رو به قبله نکنند هم معصیت کرده‌اند و هم حیوان حرام و نجس می‌شود. چون وجوب استقبال هم تکلیفی است و هم وضعی. (۸-۱۸)

تأثیر به سمت قبله ذبح کردن حیوان این است که الکترولیک‌ها، سلول‌ها و تمام عناصر تشکیل دهنده بدن از موادی با بارهای مثبت و منفی تشکیل شده‌اند. زمانی که حیوان در جهت قبله که میدان مغناطیسی زمین است قرار می‌گیرد،

عناصرش جهت و آرایشی بسیار خوب پیدا می‌کند که اثرات خوبی بر سلامتی گوشت حیوان میگذارد و سلول‌های او را در بهترین وضعیت قرار می‌دهد. (۱۷)

۸- ارتباط اضطراب در دام قبل از ذبح شدن و گوشت؛ و به حداقل رساندن سطح استرس در دام به منظور بهبود و حفظ کیفیت و سلامت گوشت، در تمام مراحل ذبح مورد نظر شارع مقدس بوده است. استرس در مراحل مختلف ذبح کیفیت گوشت را پایین می‌آورد و قسمت‌هایی سیاه رنگ به نام (Dark cutting) که خشکتر و تیره‌تر از گوشت طبیعی است، به وجود می‌آورد و منجر به کوتاه شدن نیمه (Shelf life) نگهداری آن می‌گردد. کاهش استرس از مباحثی است که در میان مستحبات و مکروهات «ذبح» در فقه اسلامی مطرح شده است. دستوراتی مانند نشان ندادن وسیله ذبح به حیوان، ذبح نکردن حیوان در مقابل حیوانی دیگر، تیز بودن چاقو و سرعت در ذبح و حتی آب دادن به حیوان قبل از کشتار و... که این احکام شرعی در جهت کاهش استرس حیوان در هنگام ذبح می‌باشد. همچنین در روایات متعددی از امامان معصوم علیهم‌السلام، رعایت حقوق حیوانات در مرحله نگهداری دام و قبل از کشتار، در راستای اذیت نشدن حیوان و کاهش استرس، مورد تأکید قرار گرفته است. (۱۳) استرس و ترشح افزایشی آدرنالین منجر به شکسته شدن گلیکوژن و در نهایت سبب ایجاد اسید لاکتیک و از بین رفتن تناسب (PH) گوشت می‌گردد. (۸-۱۷)

بحث: فلسفه و علت احکام در ذبح اسلامی

از مهم‌ترین بحث‌هایی که در علم کلام و اصول فقه مطرح است، مسأله «فلسفه احکام» است. احکام شارع تابع مصالح و مفاسدی است که به انسان‌ها باز می‌گردد. تشخیص مصالح و مفاسد در حیطه علم خداست و ما حق داریم فلسفه احکام را پی‌گیری کنیم و آگاهی بر آن، آثار مثبتی در بسیج افکار و اراده‌ها در جهت امتثال این اوامر و نواهی دارد اما اطلاع از فلسفه احکام دارای محدودیتی است که عدم توجه به آن حدود، باعث انحراف فکری از مسیر مستقیم می‌شود.

بحث ما در فلسفه و علت احکام در ذبح اسلامی سه مرحله دارد که قبل آن چند مطلب را به عنوان مقدمه طرح می‌شود.

- مراد نویسندگان این مقاله از «فلسفه و علت احکام ذبح» همان حکمت‌ها و مصالح و مفاسدی است که در دستورات شارع مقدس اسلام به عنوان «جلب المنفعة و دفع المضره» معرفی شده است. نه اینکه مراد از فلسفه و علت و سبب، عناوین و علل و اسباب حقیقی باشد که در علوم طبیعی و فلسفی مطرح شده است. لذا در کتب اصولی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام تصریح شده است که مصالح و مفاسد به منزله علل احکام است و علت حکم را نباید با حکمت و فلسفه آن خلط کرد. مثلاً علت قصر نماز مسافر، خود سفر با شرایطی است؛ اما حکمت و مصلحت آن، مثلاً رفع مشقت و زحمت سفر است. حال اگر سفر برای برخی زحمت و مشقتی نداشته باشد و با وسائل امروزی راحت‌تر از وطن او باشد، باز نماز قصر است چرا که علت آن باقی است و حکم دائر مدار علت خود می‌باشد. خلط کردن علت حکم با فلسفه و حکمت آن، سبب شده که احکام الهی دست خوش تحریف و تغییر قرار گیرد و نظریه قیاس و تصویب مطرح شود. (۱۹)

- مسأله فلسفه و هدف در احکام الهی متفرع بر مسأله «حسن و قبح عقلی» است، و به تعبیر امام صادق علیه‌السلام: «انه لم يجعل شیء إلا لشیء؛ هیچ چیزی از جانب شارع جعل نشده است مگر بر اساس علت و هدفی»، (۱۳) و علامه مجلسی در ذیل این روایت می‌نویسد: هیچ حکمی از احکام الهی تشریح نشده است مگر بر اساس حکمتی و هیچ چیزی حلال نشده مگر بر اساس حسنی که از آن برخوردار است و هیچ حرامی تحریم نشده مگر به جهت قبحی که دارد، (۱۳) و آن هم از مسائلی است که «عدل الهی» سرچشمه می‌گیرد. (۲۰-۱۹)

- راه کشف فلسفه احکام و کاشف آن باید دلیل قطعی باشد، نه اینکه در این باره به یک سری گمان‌ها و پندارها تکیه کنیم و بدون هیچ ضابطه و قانونی



هرچه به فکرمان برسد به نام «فلسفه احکام» بازگو نماییم، چرا که گمانه‌زنی‌های نادرست پایه‌های احکام اسلامی را متزلزل می‌کند، این شیوه نه تنها کسی را به دستورات دین علاقه‌مند نمی‌سازد، بلکه وسیله خوبی برای از بین بردن ارزش‌های دینی و بی‌اعتبار جلوه دادن آنها خواهد بود. مثلاً نماز را یک نوع ورزش و اذان را وسیله‌ای برای تقویت تارهای صوتی و روزه را منحصراً رژیمی برای لاغر شدن، و رکوع و سجود را دستوری برای بهداشت ستون فقرات و پیشگیری از بیماری «سیاتیک» بدانیم. این چنین تخیلات و حدس و گمان، زیان‌بخش، خطرناک و غیر منطقی است. (۲۱)

مرحله اول: علت احکام در بین فقهای امامیه

به اتفاق علماء امامیه تمام افعال خدا معلل به اهداف و اغراض است. در شرح حدیثی از جمیل بن درّاج که می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره علت وجوب و حرمت بعضی از کارهای حلال و حرام سؤال کردم و امام در جواب فرمود: «إِنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ شَيْءٌ إِلَّا لَشَيْءٍ؛ هیچ چیزی (حکمی) بدون علت وضع نشده است»؛ «علامة مجلسی» در شرح آن می‌نویسد: «خداوند هیچ حکمی را بدون حکمت و فلسفه تشریح نکرده است، امور حلال را به خاطر حسن (و مصلحت آن) حلال کرده و حرام را به جهت قبح آن تحریم کرده است». (۱۳) صاحب تجرید الاعتقاد می‌نویسد: «اگر هدف و غرض در کار نباشد، لازمه آن عبث و بیهودگی است». (۲۲) «شهید اول» در کتاب «قواعد» می‌گوید: «در علم کلام ثابت شده است که افعال خداوند معلل به اغراض است و با توجه به اینکه بازگشت غرض به خدا محال است نتیجه این می‌شود که به مکلفین برگردد». (۲۳) «فاضل مقداد» می‌نویسد: «اگر کسی بر این باور باشد که افعال الهی هیچ هدف و غرضی ندارد، لازمه آن این است، کارهای خداوند عبث و بیهوده باشد و این با حکیم بودن خدا منافات دارد». (۲۴) «ابن میثم بحرانی» تصریح بر این دارد که افعال خدا معلل به اهداف و اغراض است و هیچ فعلی از افعال الهی خالی از غرض نیست

و آن غرض داعی بر آن فعل می‌باشد. (۲۵) شهید مرتضی مطهری درباره فلسفه احکام می‌گوید: «قوانین اسلامی در عین اینکه آسمانی است، زمینی است. یعنی بر اساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر است. به این معنا که جنبه مرموز و صد در صد مخفی و رمزی ندارد که کسی بگوید: حکم خدا به این حرف‌ها بستگی ندارد، خدا قانونی وضع کرده و خودش از رمزش آگاه است؛ چرا که اسلام اساساً خودش بیان می‌کند که هرچه قانون وضع کرده‌ام بر اساس مصالحی است که یا به جسم شما مربوط است و یا به روح شما و یا به اخلاق و روابط اجتماعی شما و...». سپس ادامه می‌دهد: «احادیث کتاب «علل الشرایع» نشان می‌دهد که از صدر اسلام خود پیامبر ﷺ و امامان اهل بیت علیهم‌السلام فلسفه احکام را بیان می‌کردند. و چون احکام اسلام بر مبنای مصالح و مفاسد واقعی است، به همین دلیل در سیستم قانون‌گذاری اسلام برای عقل نیز جایگاهی باز شده است». (۲۶)

در پایان این قسمت یاد آوری این نکته که مصالح و مفاسد احکام در بسیاری از موارد جنبه عمومی و به صورت صد درصد ندارد بلکه از این نظر مانند قوانین بشری است که از یک فلسفه غالبی نشأت می‌گیرد.

مرحله دوم: نمونه‌ای از ادله‌ی هدفمندی احکام شرعی

الف) آیات زیادی دلیل بر هدفمندی احکام شرعی است. در ادامه به بعضی از آیات اشاره می‌شود:

۱. «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ و برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد، شاید شما تقوا پیشه کنید». بقره، آیه ۱۷۹ این آیه دو چیز را فلسفه حکم قصاص می‌داند: یکی اینکه قصاص مایه حیات بشر و حفظ نفوس است و دیگر اینکه موجب تقوا و پرهیزکاری معنوی است.

۲. قرآن در مورد فلسفه تقسیم «فیء» با رعایت شرایط مخصوص و مصرف آن در مصارف مورد نیاز، چنین می‌فرماید: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»؛ تا



در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردهد». حشر، آیه ۷ / این آیه بیانگر یکی اصل در مسائل اقتصاد اسلامی است، یعنی ثروت‌ها متمرکز و در انحصار گروه خاصی قرار نگیرد، و پیوسته در میان تمام انسان‌ها باشد. (۲۷)

ب) در روایات به دو صورت به فلسفه احکام توجه داده شده: نخست روایاتی که به صورت کلی (اعم از احکام ذبح و غیر آن) فلسفه احکام را مصالح بندگان معرفی می‌کند:

۱. (جمیل بن درّاج) از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که از حلال و حرام سؤال کردم، حضرت در جواب فرمود: هیچ حکمی بدون علت وضع نشده است. (۴)

۲. در حدیثی از امام رضا علیه السلام: «خداوند از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها چیزی را مباح نکرده مگر اینکه در آن منفعت و مصلحت بوده و چیزی را حرام نکرده، مگر این که در آن ضرر و نابودی و فساد بوده است». (۲۸)

۳. در حدیثی از کتاب تحف العقول چنین آمده است: «هر چیزی که در خوردن و آشامیدن آن فساد باشد، حرام است». (۱۹-۲۹)

قسم دوم: روایاتی که بعضی از مصادیق مصلحت را در خصوص احکام ذبح اسلامی مطرح می‌نماید:

۱. حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند «شتر یا گوسفند که برای ذبح آماده شده را نزد شتر یا گوسفند دیگر که در حال نگاه کردن است، ذبح نکنید». (۳۰) این حدیث شاید اشاره به همان بحث عدم ایجاد استرس در دام است که در قسمت یافته‌ها به آن اشاره شد.

۲. حدیثی ابان بن تغلب از حضرت سجاد علیه السلام نقل می‌کند که حضرت به غلامان خود می‌فرمودند: «ذبح نکنید تا اینکه طلوع فجر رخ دهد چرا که خداوند



شب را مایه آرامش برای هر چیز قرار داده است» (۳۰) این حدیث نیز اشاره به بحث احکام مستحب و احکام مکروه ذبح دارد که در قسمت یافته‌ها به آن اشاره شد.

۳. امام رضا علیه السلام در مورد فلسفه حرمت خون می‌فرماید: «و حرم الله عز و جلّ الدّم ... لانه ... یسیء الخلق و یورث القسوة للقلب، و قلّة الرأفة و الرحمة حتی لا یؤمن أن یقتل ولده و والده و صاحبه؛ خداوند عز و جلّ خوردن خون را حرام کرده ... برای این که خونخواری برای انسان سوء خلق می‌آورد، و موجب قساوت دل می‌شود، و رأفت و مهربانی را کم می‌کند به حدّی که ممکن است انسان فرزند یا پدر یا دوست خود را بکشد» (۱۳) این حدیث اشاره به همان بحث خون گیری کامل از لاشه دارد یعنی صحیح است که خون باقی در لاشه پاک است اما همین خون پاک چون از خبائث است باید از خوردن آن اجتناب کرد مگر اینکه بحث استهلاک رخ دهد.

۴. محمد بن عذافر می‌گوید: پدرم نقل کرد از امام باقر علیه السلام که «أما مردار براستی که کسی از آن نخورد مگر اینکه بدنش نحیف و زار شود، و توانائیش به سستی گراید، و نسلش قطع (یعنی قدرت تناسل را از دست بدهد) و نمیرد مگر بمرگ ناگهانی» (۵) وقتی احکام فقهی ذبح به طور کامل و صحیح اجراء نشود لاشه دام تبدیل به مردار می‌شود و خوردن آن آثار وضعی خاصی دارد که در این روایت به آثار مهمی اشاره شده است.

۵. باز محمد بن عذافر از پدرش و او هم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «أما خوردن خون: (از آن جهت حرام است که) بیماری استسقاء که باعث عطش و تشنگی دائمی است آورد، و شخص را مبتلا به مرض صفرا کند (این اثر جسمانی) و موجب قساوت قلب و کم مهری و بی‌رحم شدن می‌شود به قسمی که به او امیدی نیست که به نزدیکترین دوستانش رحم کند و یا به همنشینانش دلسوز باشد (این اثر روانی)» (۵)



مرحله سوم: اعتبار سنجی فلسفه احکام ذبح

فلسفه‌ها و حکمت‌های احکام ذبح به چهار قسم تقسیم می‌شود.

الف) حکمت‌ها و فلسفه‌های احکامی که از همان آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر همگان آشکار بوده و به اصطلاح جزء ضروریات و بدیهیات بوده است و هرکس به اندازه فکر و اندیشه و معلومات خود چیزی از آن را درک می‌نمود. مانند: فلسفه اینکه حیوانی در موقع ذبح حیوان ذبح شوند را نبیند و یا حکم تسریع در ذبح که فلسفه آن اذیت نشدن دام است و امثال اینها که هر کسی در هر پایه‌ای از معلومات، در هر عصر و زمان باشد، فلسفه و سرّ این احکام را درمی‌یابد. به دلیل همین ادراک عقل نسبت به فلسفه بسیاری از احکام، روایتی عقل را به عنوان «حجّت باطنه» معرفی کرده است است. (۲) البته می‌توان این قسم را در محدوده ادراکات عقل عملی و ادراک حسن و قبح عقلی اشیاء دانست.

ب) فلسفه‌هایی که برای مردم روشن نبوده، ولی در متون دینی اشاره به آنها شده است، از قبیل علت تذکیه شدن و ذبح حیوان و فلسفه تحریم مردارخواری یا خوردن خون که توده مردم حتی گاهی برخی دانشمندان از فلسفه سه‌گانه: سلامت اخلاقی، سلامت اجتماعی و سلامت بهداشتی آن بی‌خبر بودند؛ ولی توسط شارع مقدّس بیان شده است.

ج) احکامی که با گذشت زمان، و پیشرفت علم و دانش، از فلسفه آنها آگاهی به دست می‌آید. مثلاً آثار خروج خون و یا قطع نکردن نخاع دام در هنگام ذبح و... که با گذشت زمان، و با بالا رفتن سطح فکر و دانش بشر، پرده از روی آن برداشته است.

د) فلسفه‌هایی که نه از ابتدا روشن بوده و نه با گذشت زمان روشن شده، و نه در لابه‌لای متون اسلامی به آن اشاره‌ای شده است. مانند فلسفه مسلمان بودن ذابح و ذکر بسمله و رو به قبله بودن ذبیحه و... حال در اینکه آیندگان با پیشرفت‌های جدید علمی می‌توانند فلسفه این احکام را بفهمند و آیا علم بشر

توان کشف آن را دارد یا نه، به طور قاطع جوابی نمی‌توان داد. همین قدر می‌دانیم که این احکام به همان اندازه برای ما محترم و لازم الاتباع است که احکام سه قسم قبل بودند، چرا که احکام همه این اقسام از علم نامحدود پروردگار سرچشمه گرفته‌اند و عبودیت و اطاعت خالص اقتضا دارد که در مقابل این قسم نیز تعبد محض داشته باشیم.

تعبد محض، همان نکته‌ای است که قرآن کریم در مقام بیان فلسفه تغییر قبله از «بیت المقدس» به سوی «کعبه» به آن اشاره کرده، می‌فرماید: «و ما آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی تنها برای این قرار دادیم تا افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند از آنها که به عقب بازمی‌گردند (و از پیروی آن حضرت سرباز می‌زنند) مشخص شوند، و مسلماً این حکم جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده دشوار است». بقره، آیه/ ۱۴۳ و روایت امام رضا علیه السلام نیز مؤید همین تعبد محضی است که قرآن اشاره کرده است، که فرمود: «بدانید که در رأس اطاعت خدای سبحان این مطلب قرار گرفته که ما باید در برابر تمام احکام و دستورات و قوانین الهی تسلیم شویم، و همه آنها را اجرا کنیم، چه احکامی که فلسفه آنها را عقل ما درک می‌کند و چه احکام و دستوراتی که فلسفه آنها را عقل ما نمی‌تواند درک کند... و خداوند مردم را با اطاعت و بندگی خود با قوانین عقلانی و فوق عقل، امتحان و آزمایش می‌کند، تا حجت بر مردم تمام شود و شبهه‌ها زدوده گردد». (۱۳)

با توجه به بحث قبل، بدیهی است که فقیه در مقام استنباط و تخریج فروع و احکام ذبح، موظف است طبق ادله‌ای که حجیت آنها شرعاً ثابت شده است احکام شرعی ذبح را استنباط کند، هر چند مصالح و مفاسد حکم ذبح را نداند.



نتیجه‌گیری

احکام الهی از جمله بحث ذبح تابع اسرار و فلسفه‌هایی است که سبب تشریح آن احکام شده و این مصالح و مفاسد به بندگان بازمی‌گردد و ما از قسمتی از فلسفه احکام - هر چند به تعلیم خداوند و پیامبر و جانشینانش - باخبریم ولی بخشی از آن هنوز بر ما پنهان است. اطاعت اوامر الهی هر چند با آگاهی از فلسفه‌هایش جاذبه بیشتری دارد ولی هرگز مقید به آن نیست. ما حق داریم نسبت به فلسفه احکام آگاهی پیدا کنیم، چرا که این امر هم انگیزه‌های طاعت را قوی‌تر می‌کند و هم آیین خدا را عقلانی و به صورت منطقی جلوه‌گر می‌سازد ولی اگر بعد از تلاش و کوشش در موارد خاصی به فلسفه حکم نرسیدیم باز آن حکم برای ما محترم و واجب‌الاطاعه است و در هر حال انگیزه اصلی، اطاعت فرمان خداوند حکیم است. موضوع احکام ذبح شرعی نیز از قواعد فوق مستثنی نیستند. محدودیت‌ها: از آنجا که در موضوع آثار ذبح اسلامی منابع مستقل وجود ندارد و پژوهش‌های مرتبط محدودی در زمینه بحث یافت شد، لذا توصیه می‌شود برای بررسی دقیق‌تر و گسترده‌تر موضوع، پژوهش‌های علمی جدیدی درباره آثار علمی ذبح انجام گیرد، اما همه این تلاش‌ها نباید به اثر مهم ذبح که در متون دینی به آن اشاره شده و از آن تعبیر به حلیت شده است لطمه‌ای وارد کند و باعث کم‌اهمیت شدن آن گردد.

پیشنهادهای پژوهش: در عصر جدید که نشان حلال یک علامت تجاری غذایی جهانی است لازم است معرفی محصولات حلال کشور جمهوری اسلامی ایران مورد توجه بیشترتجار، مسئولین و مبلغین گرامی قرار گیرد.



قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر و قدردانی خود را از همهٔ بزرگوارانی که در مراحل مختلف پژوهش یاری نموده‌اند اعلام داشته و پاداش وافی برای آنها از خداوند منان مسئلت دارند.

فهرست منابع

۱. آخوندی، مصطفی، نگاهی به غذا و تغذیه از منظر اسلامی، مجله حصون، ۱۳۸۷، بهار، شماره ۱۵، صص ۱۷۵-۱۹۱.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۶ ص: ۲۴۲ و ج ۱، ص ۱۶.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۳ ش، ص: ۲۵.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص: ۴۸۳ و ج ۱، ص: ۱۸.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص: ۳۴۶.
۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۶، ص: ۱۱۹ و ج ۳۶، ص: ۱۴۱.
۷. خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (محشی-امام خمینی)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص: ۵۷۳ و ج ۲، ص: ۵۷۱.
۸. اسیدیته خون: په هاش طبیعی خون قلیائی است، یعنی طیف طبیعی په هاش خون (۷.۴۵ تا ۷.۳۵) می‌باشد. اگر په هاش خون از ۷ کمتر شود، خون اسیدی می‌شود.
۹. اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیله النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۴۲۲ ق، ص: ۶۰۸.
۱۰. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت، ۱۴۱۰ ق، ج ۶۲، ص: ۱۶۳ و ج ۶۲، ص: ۳۱۵ و ج ۶، ص ۱۱۰ و ج ۶۲، ص ۱۶۵ و ج ۷۵، ص ۳۴۸.
۱۱. و رقیه ستاری، الناز حسینی، لیلا فتوحی، شهره آریایی نژاد، علی خطیبی و علی اکبر موسوی موحدی، «تاثیر ذبح حلال بر کیفیت گوشت و مقایسه با سایر کشتارها»، نشریه نشاء علم، سال پنجم ۱۳۹۴، خرداد، شماره دوم، صفحه ۳۸.
۱۲. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، بی تا، ج ۲، ص: ۱۵۲.
۱۳. و جوادی راد، سیدمرتضی، «حقوق ذبح حیوانات از منظر دین اسلام، مقایسه آن با ذبح غربی و تاثیر آن بر خلق و خوی مصرف کنندگان»، دومین همایش ملی قرآن و علوم زیستی با محوریت غذای سالم، اصفهان.

۱۴. و طباطبایی، سیدمحمد، «قرآن و دانش/گوشت حلال»، بشارت، ۱۳۸۸ ش، شماره ۷۰.
۱۵. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص: ۴۱۰.
۱۶. شیرازی، ناصر مکارم، دائرة المعارف فقه مقارن، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۴۲۷ ق، ص: ۳۸۹ و ص: ۳۹۲ و ص: ۴۱۱.
۱۷. شلبی، مصطفی، تعلیل الأحکام، دار النهضة العربیة، بیروت، ۱۴۰۱ ق، ص ۹۸-۹۷.
۱۸. اشاره به آیه «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» یونس/۳۶ ترجمه: «گمان، هرگز انسان را از حق بی نیاز نمی سازد(و به حق نمی رساند)!».
۱۹. علامه حلّی، حسن بن یوسف، شرح التجرید، منشورات شکوری، قم، بی تا، ص ۳۳۱.
۲۰. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید، قم، بی تا، ج ۱، ص ۳۴-۳۳.
۲۱. فاضل مقداد، اللوامع الإلهیة فی مباحث الکلامیة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی تا، ص ۲۲۱.
۲۲. بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعة مهر، قم، ۱۳۹۸ ق. ص ۱۱۰.
۲۳. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، صدرا، قم، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۹-۲۸.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۳، ص: ۵۰۴.
۲۵. نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۶، ص ۱۶۵.
۲۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۳۳.
۲۷. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۴، ص: ۱۶ و ج ۲۴، ص: ۴۱.

28. Influence of gas stunning and halal slaughter (no stunning) on rabbits welfare indicators and meat quality.

29. Bleeding Efficiency and Meat Oxidative Stability and Microbiological Quality of New Zealand White Rabbits Subjected to Halal Slaughter without Stunning and Gas Stun-killing

30. Electroencephalographic studies of stunning and slaughter of sheep and calves: Part 1—The onset of permanent insensibility in sheep during slaughter

31. Onset of insensibility at slaughter in calves: effects of electroplectic seizure and exsanguination on spontaneous electrocortical activity and indices of cerebral metabolism.

32. Subjected to Halal Slaughter without Stunning and Gas Stun-killing.



